

آينه

کیمیان

جوابیه محمد خامنه‌ای به حسین شریعتمداری

... شما در یادداشت خود هم‌زمان با دفتر آقای هاشمی و بارانش نوشته‌اید که در مصاحبه آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای «نسبت به ساحت مقدس امام‌راحل و برخی یاران ایشان فجای فاحش شده است» و به این هم قانع نشده برای تثبیت بیشتر ادعای خلاف خود، در بند دو آن را «نه فقط اتهام ناروا و اهانت به ساحت مقدس حضرت امام(ره) بلکه بیرون از دایره حق و انصاف شمرده‌اید و به این هم قناعت نکرده آن را سبب «مخدوش‌شدن همه مکتوبات امام!» دانسته‌اید....». حضرت امام راحل هم با تمام هوش و فراست ولی مانند پیامبر(ص) به اطرافیان و مردم دیگر اعتماد داشت. دشمنان پیامبر(ص) به آن حضرت تعریض می‌کردند که وی چرا به هر خبر و سخنی گوش می‌دهد و آن را باور می‌کند. قرآن مجید به دفاع از آن حضرت نفرمود که پیامبر شما چون معصوم (یعنی بیگناه) است، پس هیچ‌وقت گفته نمی‌خورد؛ بلکه فرمود «قل‌هو اذن خیر لکم یومن بالله و یومن للمؤمنین» «سوره توبه/آیه۶۱) یعنی اشکال نکنید که چرا سخن دروغگوینان را باور می‌کند. آن حضرت «اذن‌خیر» است و خوش‌باور و هماطور که به خدا ایمان دارد به مومنین اطراف خود هم اعتماد می‌کند، یعنی برخلاف گفته شما این باور به گفتار دیگران «نه اتهام ناروا و نه اهانت به ساحت پیامبر(ص)»... است بلکه خوش‌باوری و قبول قول اطرافیانی می‌باشد که م‌تهم به توطئه و دروغ نباشند یک صفت پسندیده و شایسته مقام بزرگان است... خود امام راحل در مواردی مطالبی گفتند که موید باور ایشان به سخنان اطرافیان بوده از جمله ادعایی که برخی مسئولان جنگ درباره عود تان زم‌ندگی به ادامه جنگ به ایشان دادند که به قبول قطعنامه منتهی شد و پس از پیروزی رزمندگان در صحنه مرصاد و هزیمت دشمنان، حضرت امام به چگونگی آن پی بردند و جمله‌ای درباره تصمیم خود فرمودند (کتاب قطعنامه را بخوانید). نمونه دیگر، باور نسبت دروغی بود که علیه رئیس‌جمهور وقت (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای) مبنی بر مخالفت ایشان با ولایت فقیه موردنظر امام داده بودند و نامه و روشنگری مقام‌معتبر رهبری (رئیس‌جمهور وقت) آن توطئه را خشی کرد و نمونه دیگر اقرار به خطای خود درباره دولت متهمین باززرگان بود که برخی از اعضای شورای انقلاب آن را به امام بزرگوار معرفی کرده بودند و همچنین سخن امام(ره) درباره روحانیت مبارز بود که با دخالت رئیس فقید مرحوم جامعه روحانیت مبارز مرتفع شد.... استظهار نادرست شما از جمله «کسانی در جماران» و تطبیق آن با مرحوم سیداحمد خمینی، نوعی سفسطه و استفاده از شگرد زورنالیستی و روش روانی برای نتیجه ناروای دیگر بود.... شما خوب می‌دانید که در جماران و حوالی بیت امام، کسانی منزل کرده و حاضر بودند و در مواقعی حساس نقش‌هایی بازی می‌کردند و مرحوم آقا سیداحمد خمینی در بسیاری اقدامات آنها، با آنها اختلاف قضا می‌داشت. ای‌کاش نام این مرحوم را (که) علی‌رغم برخی از سران فتنه) پس از رحلت حضرت امام(ره) بهترین نقش را در دوام رهبری امام و انتقال به رهبر معظم انقلاب و دوام انقلاب داشته در این جریده نمی‌نوشتید و آن مرحوم را به این موضوع در رسوای جهان شده است آلوده نمی‌کردید... شما در دفاع صوری و صلبه‌ای خود از مرحوم شهید بهشتی توصیف‌اتی به شهید به «تأمین‌خواه» و «دارای ظاهر لیبرالیستی» را «جفای بزرگی در حق آن شهید والا مقام» وانمود کرده‌اید ولی در دفاع خود چیزهایی دیگر و از جمله خدمات ایشان را یادآور شده‌اید که نشان از بی‌اطلاعی دقیق شما از شخصیت آن عزیز است. البته آن شهید بزرگوار همواره بر صراط مستقیم بود ولی روشی خاص در مدیریت و در رفتارشناسی سیاسی و اجتماعی داشت... صفاتی چون تمامیت‌طلبی یا روحیه لیبرالیستی درباره ایشان برای کسانی که به معنی آن وقت کنند و در فکر بهره‌برداری سیاسی و شخصی از این الفاظ نباشند، نوعی ستایش آن شهید است زیرا ایشان به مدیریت بیشتر مسئولان اطمینان نداشت و نظارت و حضور خود را لازم می‌دانست (که می‌شود با کلمه اصرار بر تمامیت تعبیر کرد). و این برای کسانی که از نزدیک با ایشان کار کرده‌اند، روشن است. نسبت صفت «ظاهر لیبرالیستی» و «تأمین‌خواهی» جفا به شهید بهشتی نبود بلکه اگر جفایی با او قائل شده، جفا به ملت حزب‌الله است که در اثر مغالطه تفسیر نادرست از الفاظ، جلو بصیرت ملت را بگیرد و توجه مردم را از اصل قضیه که فتنه‌گران هستند به حواشی بی‌نتیجه منطقت کند... شما که قطعاً خاطرات اوج دفاع سال ۶۸ هاشمی و کتاب ماجرای مک‌فارلین پسرش را خوانده‌اید خوب می‌دانید که ارتباط طرف ایرانی با مقامات آمریکا به گواهی خود آنها- دست‌کم یک سال قبل، یعنی سال ۱۳۶۴ و در واقع از سال۱۹۸۵ میلادی بوده که اگر حضرت امام راحل و آقا سیداحمد می‌دانستند، جمله «این تذهبون» را خطاب به آنها می‌گفتند و جلو آن تماس‌ها را می‌گرفتند. آقای شریعتمداری، در حدیث است: «رحم‌الله من عرف قدره ولم يتعد طوره». اما برخلاف این حدیث یا را کلیم خود فراتر گذاشتید و طبق عادت، به کاری پرداختید که در حد شما نبود. سزاوار نبود که کیس سفید مآبانه در جای قاضی و داور بنشینید و بین کسانی داوری کنید که بیش از شما حقایق مبارزه و انقلاب را شاهد بوده و فرازوشب‌های بسیاری را از نزدیک تجربه کرده‌اند...

تازه از نجف برگشته بودم که مصاحبه آقای

سیدمحمد خامنه‌ای را دیدم.

برخلاف بعضی‌ها که از این جریان برآشفته شدند، معتقدم خوب شد ایشان باطن اعتقاد خود را نسبت به امام(ره) نشان داد و علاوه‌بر این سطح اطلاعات و قدرت تحلیل خود را نسبت به مسایل مهم کشور بر همگان آشکار کرد.

یک نمونه آن اینکه وی در اظهارنظری می‌گوید هاشمی در رقابت با فقیه‌عالیقدر مرحوم آیت‌الله العظمی منتظری بر سر تصرف مسند رهبری پس از امام(ره) بود که وارد مساله مک‌فارلین شد تا در آینده موضع رهبری خود را با آمریکا هماهنگ کند!!! آری اینکه ایشان آمریکا را چنان همه‌کاره در مساله مهم تعیین رهبری آینده می‌داند که نزدیک‌ترین یاران امام به ایشان یعنی هاشمی- که از معدود کسانی بود که در سال ۴۳ اطلاعات پیرامون تصویب لایحه کابیتولاسیون را در مجلسین سنا و شورای ملی به امام داد و امام آن نطق تاریخی را علیه دولت آمریکا کرد- ناچار است در این زمینه با آمریکا هماهنگی کند!! من نمی‌دانم آقای سیدمحمد خامنه‌ای در طول عمر خود با چند امام به‌طور خصوصی دیدار کرده اما از سخنانش به‌خوبی پیداست یا از سیره مدیریتی امام و ابعاد شخصیتی وی کاملاً بی‌اطلاع است و امام را نمی‌شناسد یا آن نهیب کار خود را کرده و زخم آن عتاب پس از این‌همه سال هنوز التیام نیافته؛ نمونه آشکار این بی‌اطلاعی آن است که وی امام را که دوست و دشمن بر فراست و زیرکی و مدیریت منحصره‌بفرد وی در اداره کشور گواهی داده و می‌دهند، فردی گرفتار اطرافیان می‌داند و وی را از عمق مسایل مهم کشور بی‌خبر نگه می‌داشته‌اند. به فرازهای زیر که موید این ادعاست در مصاحبه وی توجه کنید. این جملات را بدون تحلیل و توضیح بخوانید و خود قضاوت کنید سیدمحمد خامنه‌ای تا چه حد امام را فردی معرفی می‌کند که به‌راحتی توسط دیگران اداره می‌شده است:

«موضوع اصلی ملاقات مک‌فارلین و ریسک سفر او که اگر کشف می‌شد کاخ سفید و حزب متبوع رئیس‌جمهور آمریکا ریگان را سخت در فشار قرار می‌داد، موضوع حفظ آینده ایران بعد از امام موضوعی فوق‌سری بود که باید کاملاً محرمانه می‌ماند و جز اصحاب سر، باید حتی کنگره آمریکا و همه مقامات ایرانی - چه رسد به مجلس و اصام- هم بویی نمی‌بردند.»

«به دروغ به امام وانمود کردند که مک‌فارلین بدون اطلاع دادن به ایرانی‌ها سرخود و محرمانه به ایران آمده و هتل گرفته و آرزوی ملاقات با هاشمی را داشته ولی حسرت آن را به دلش گذاشته‌اند و ناامید از ایران رفته که ادعایی نامعقول و غیرقابل‌قبول بود.»

«به امام وانمود کردند که این هیات بلندپایه آمریکایی خودسرانه و بدون اطلاع مقامات ایرانی به فردگاه تهران و سپس هتل آمده‌اند و گذرنامه تقلبی داشته‌اند.»

«سعی و تلاش برای فریب امام و به‌اصطلاح قانونی «گزارش خلاف» دادن مامور دولتی هم جرم است که بایستی دنبال می‌شد.»

«شخصی غیرمسوول در روابط خارجی دست به ریسک بزرگی برای ایجاد رابطه صمیمی و خودمانی با دشمن انقلاب زده بود که مسؤول‌ترین مقام‌های جمهوری اسلامی ایران از آن مطلقاً خبری نداشت.»

« در اوایل که قرار جانشینی آقای منتظری در میان بود باند هاشمی و افرادی در جماران طمع داشتند که به این وسیله به اهدافشان برسند و با نام منتظری و بهیروی او نفوذ و جایگاه خود را حفظ کنند ولی پس از مدتی متوجه شدند که سیدمهدی هاشمی و باند سیدمهدی هاشمی شروع شد و موضوع قتل و شهادت مرحوم شمس‌آبادی و نگهداری اسلحه قاچاق و مانند اینها را مطرح کردند و با وسایلی مؤثر منتظری را به‌وسیله املا در قائم‌مقامی عزل و بیت او را زیرنظر قرار دادند، تا قدرت پس از امام دست آنها نیفتد و آن را در دست بگیرند.»

«من شخصاً طبق وظیفه خودم نامه‌ای با طرح یک سوال کلی به وزیر خارجه نوشتم دوفتر از دوستان هم مایل به امضا شدند. این موضوع باعث دستپاچگی رئیس مجلس و باند او شده بودند و با مشورت کسانی در جماران و دولت، توطئه‌ای کردند و سولاتی که امام را عصبانی و ناراحت می‌کردند تهیه و به‌زور و اصرار برای امضا به دست افرادی داده بودند که به هشت‌نفر معروف شدند. پیش من هم آوردند من قبول نکردم که آن را امضا کنم ولی خیلی اصرار کردند که من فقط یک امضا دارم اینجا همهت امضا صحت همه را یک‌کاسه بکنید بهتر است. از دوفتر دیگر هم امضا گرفته بودند. من در آن شدت ناراحتی که از آن موضوع داشتم (که درواقع اقتضاح ایران بود نه آمریکا ولی آن را وارونه جلوه دادند) قهراً امضا کردم و به دام آنها افتادم. شایطین بلافاصله آن را به ضمیمه پیش‌فرض‌های دیگری، در موقع حساسی به امام دادند و حضرت امام را با این روش عصبانی کردند و امام هم در یک سخنرانی به امضاکنده‌ها حمله شدید کردند و کار آنها را بدتر از کار اسرائیل دانستند.» از نظر سیدمحمد خامنه‌ای، فرزند و اعضای دفتر امام و کسی همچون هاشمی که امام اقتدر به او علاقه داشت که به به شکرانه بازگشت او از یک سفر خارجی، دستور داد گوسفند قربانی کنند و تا آنجا به وی اطمینان داشت که امر خطر جنگ را به او سپرد؛ همه‌العیاذبالله تشنه قدرت و خان به نام هستند! امید که مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام در این زمینه، حسب وظیفه‌ای که دارد در یک موضع‌گیری آشکار از امام، یادگار وی و یاران ایشان دفاعی داشته باشد. اشتباهات تاریخی در این سخنان از این فراتر است:

سیاست



تخریب برای التیام زخم نهیب!

بازخوانی چند ادعا در یک مصاحبه

غلامعلی راجبی

سیدمحمد خامنه‌ای در جریان سخنرانی در تهران، ۲۰۰۶

• درحالی‌که اسناد تاریخی در این دوره به‌خوبی حاکی از این است که ژنرال هایزر به ایران آمده تا هم مانع کودتای فرماندهان ارتش که با خروج شاه از کشور برآشفته شده بودند، بشود و هم به‌نجوی امام در پشتیبانی از دولت بختیار متقاعد کند. ایشان به کودتای نافرجام آمریکا در ۲۲بهمن معتقد است!!؛ «-آمریکا به سبب سیاست غلط، نزدیک بین و عجولگی که دارد بلافاصله برای براندازی انقلاب و نظام دست‌به‌کار شد. اول طرح کودتای ۲۲ بهمن ۵۷ بود که عمل نکرد.»

• وی معتقد است امام، مرحوم مهندس بازرگان را که در اعتراض به تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام با کابینه خود به قم رفت و دسته‌جمعی اعلام استعفا کرد و امام هم در حرکتی غیرمنتظره و البته به تعبیر وی قدری دیرا استعفای وی را از نخست‌وزیری پذیرفت، برکناری بازرگان می‌داند!!!!

«-هوشیاری امام و عزم ملت مسلمان ایران باعث شد که گرچه قدری دیر شده بود ولی امام خمینی (ره)، مهدی بازرگان را به کناری بگذارد و نهضت آزادی را که برای اسارت دوباره ملت نقشه ریخته بود، ابطال و برکنار کند.»

• آقای سیدمحمدخامنه‌ای بدون اینکه سندی ارائه کند و از کسی نامی ببرد در جایگاه یک مقام مطلع امنیتی می‌گوید قبل از انقلاب بعضی از اطرافیان مرحوم آیت‌الله‌العظمی منتظری با ساواک در ارتباط بودند!!

• «به‌طورطبیعی! همه آگاهان! می‌دانستند که جانشین امام یا شهید مطهری یا آقای منتظری با آقای بهشتی است و دشمن فکر می‌کرد در صورتی که راهی با توافق با آنها پیدا نشود باید آنها را از سر راه برداشت، پس

از شهادت استاد مطهری نگاه به سمت این دو نفر دیگر رفت. آقای منتظری شخصاً دست دوستی با آمریکا نمی‌داد ولی در اطراف او

کسانی بودند که با ساواک سابقه همکاری داشتند و به آمریکا ادعای همکاری داده بودند.»

• فراز مهم مصاحبه درباره ماجرای مک‌فارلین مشاور امنیتی ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا و سفر وی به ایران و بنا به ادعای وی بی‌اطلاعی امام از این مساله مهم است. من در این نوشته قصد ورود به ماجرای مک‌فارلین را ندارم. علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب‌هایی که در این موضوع مؤثر منتظری از مک‌فارلین فروش سلاح آزادی گروگان‌ها» تالیف محسن هاشمی و حبیب‌الله حمیدی از انتشارات بنیاد نشر معارف انقلاب اسلامی مراجعه کنند. خلاصه ماجرای مک‌فارلین این است که با وساطت یک ایرانی دلال اسلحه به‌نام منوچهر قربانی‌فر، آمریکا پیشنهاد کرد در ازای وساطت ایران برای آزادی گروگان‌های غربی در لبنان مقداری سلاح که ایران به آنها نیاز زیادی داشت و در بازار سیاه هم گیر نمی‌آمد، به ایران بفروشد. در آن زمان مساله مهم کشور، جنگ و تهیه سلاح برای رزمندگان در برابر عراقی بود که ابروقدرت‌ها حامی آن بودند. ایران این سفر سلاح‌ها را از بازار سیاه و به قیمت چند برابر می‌خرد و به‌خصوص در زمینه لامپ‌های ارادارها و سیستم دفاعی موشک‌ها برای زدن هواپیماهای میگ ۲۵ روسی ارتش عراق که آن همه راه را به دلیل اینکه متوجه ضعف پدافندی ما شده بودند با فراغ‌بال می‌آمدند و مناطق نفتی ازجمله خارک و غیرنفتی را بمباران می‌کردند و می‌رفتند و نیز موشک برای ارکانداختن ماشین زرهی ارتش عراق که نقطه قوت آن بود مشکل فراوانی داشت. یکی از اصلی‌ترین وظایف آقای هاشمی به‌عنوان فرمانده جنگ از سوی امام، تأمین سلاح موردنیاز جبهه‌ها بود که با پرداخت چندبرابر از بازار سیاه تأمین می‌شد.

مساله از سوی مشاور نخست‌وزیر وقت که مسوولیت استفاده از بازار سیاه برای تهیه سلاح‌هایی که به ما نمی‌دادند، شروع شد. سپس گروه پنج‌نفره مرکب از روسای قوا و آقایان موسوی و نیز آقای احمدآقا از سوی امام بررسی شد و امام در همه مراحل در جریان امر بودند. پس این ادعا که امام در جریان امر نبوده‌اند با وجود و حضور مرحوم حاج احمدآقا که مستمراً خبرهای جلسات سران قوا و

لحن شما در آن چیزی که به مجلس دادید، از لحن اسرائیل تندتر است، از لحن خود کاخ‌نشینان آنجا تندتر است. شما را چه شده است این‌طور شدید؟ شما که این نبودید بعضی‌تان؟ من بعضی‌تان را می‌شناسم، شما این‌طور نبودید. من امیدوارم که شما باز توجه کنید به مسایل، توجه کنید به دنیا، توجه کنید به خودتان، توجه کنید به قدرت خودتان، نشکنید این قدرت را، گرچه شماها نمی‌توانید، لکن نباید یک همچو کاری در ایران بشود. من نمی‌خواهم دل شما را بشکنم، لکن شما دل ملت ما را نشکنید، شما دل مسوولان ما را نشکنید، شما هی تندرو و کندرو درست نکنید، دودستگی ایجاد نکنید، این خلاف اسلام است، خلاف دیانت است، خلاف انصاف است، نکنید این کارها را...» (صحیفه امام، جلد ۲۰، صص ۱۵۹ تا ۱۶۳)

از سوی دیگر بعضی از نمایندگان این دوره مجلس ازجمله حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمهدی طباطبایی اخیراً در مصاحبه‌ای از اطلاع امام از این ماجرا سخن گفته‌اند: «بنده زودتر از هر کسی از قضیه مک‌فارلین باخبر شدم. همان روزی که این افراد وارد کشور شدند به حضور آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی مجلس بودم و هم‌اکنون به آقای‌هاشمی اطمینان رسیدم و از وی در خصوص ورود یکسری افراد خاص با هوایم‌ای خاص سوال پرسیدم. خب بنده در آن زمان نماینده مجلس بودم، آقای هاشمی‌رفسنجانی تنها یک کلمه پاسخ دادند و گفتند امام در جریان امر قرار دارد خیال شما راحت باشد. من هم آن زمان که نماینده مجلس بودم و هم‌اکنون به آقای‌هاشمی اطمینان داشته و دارم، وقتی که گفتند امام در جریان هستند بنده دیگر یگیری نکردم و آرام شدم.»

آقای طباطبایی در ادامه مصاحبه خود گفته است: «آن روزی که این مطلب در مجلس شورای اسلامی عنوان شد، برنامه‌ریزان اصلی‌اش دوفنر بودند؛ آقایان سیدمحمد خامنه‌ای و زواره‌ای که از قدیم با هم رقابت داشتند. این‌دو استدلال‌های قانونی برای کار خودشان می‌آوردند، من هم با همان استدلال‌های قانونی به آنها می‌گفتم که طبق قانون اگر هم مذاکراتی صورت گرفته قطعاً رهبر انقلاب نظر مثبت داشتند که این اتفاق افتاده است، اما آنها زیربار نمی‌رفتند. من هم چون اعتقاد داشتم که این اقدام با هماهنگی حضرت‌امام بوده است، طرح سوال از وزیر خارجه را امضا نکردم. ببینید در آن مقطع امضای من برای آن چندنفر بسیار مهم بود، زیرا بنده عضو کمیسیون سولات از وزرا بودم و امضای من خیلی می‌توانست به اجرای حرکت آنان کمک کند که بنده امتناع کردم. کماکان معتقدم که امام از ماجرای مک‌فارلین کاملاً آگاه بودند. هم‌اکنون به آقای هاشمی اطمینان داشته و دارم وقتی که گفتند امام در جریان هستند، بنده دیگر یگیری نکردم و آرام شدم.»

• مساله مهم دیگر در مصاحبه ادعای رقابت هاشمی با منتظری درباره تسلط بر مسند رهبری پس از امام است. وی در ادعایی عجیب و تکرار شده ضمن ربط این مساله با سفر مک فارلین که صددرصد در ارتباط با تأمین سلاح برای جنگ بود، گفته است: «یکی از دلایل وقوع سفر مک‌فارلین به ایران و میهمان هاشمی شدن او و بعد از آن افشای آن توسط بیت منتظری همین رقابت پنهانی بیت منتظری و حواشی هاشمی بر سر تماس و معامله و حتی قرارداد با آمریکا و اقرار او بود؛ یعنی سفر مک‌فارلین را بیت منتظری قاپیدن آمریکا توسط رقیب می‌دانستند و لذا پته هاشمی را بر آب زدند تا به تصور آنها از طرف امام مطرود و مزوی و حتی محاکمه و رسوا شود و خوشان در مقام طرف معامله با آمریکا باقی بماند.»

از سوی دیگر مگر هاشمی عضو مجلس خبرگانی نبود که در آن قائم‌مقامی مرحوم منتظری تصویب شده بود، علی‌القاعده وی اگر چنین تصمیمی برای کنارزدن او داشت می‌بایست نه از کاتال آمریکا! که از سوی مجلس خبرگان به‌دنبال عملی‌شدن آن باشد! درحالی‌که در خاطرات هاشمی در ۶۸ سال آمده که در جریان مطرح‌شدن دوباره مساله سیدمهدی هاشمی در مورد قتل مرحوم شمس‌آبادی در دوران انقلاب، وی پیشنهاد کرده مهدی هاشمی برای مدتی به خارج از کشور به‌عنوان سفیر برود، اما آقای سیدمحمد خامنه‌ای معتقد است مهدی هاشمی سر خود را توسط رقیب هاشمی بر سر تاس و معامله مسند قدرت آینده از دست داد!؛ یعنی هاشمی از سویی می‌خواسته مهدی هاشمی را از سایل دور و از تقییب در امان نگه دارد تا با دورشن و عدم‌سنگیری وی مرحوم منتظری آسیب نبیند و از سویی به‌دنبال قصاص وی بوده است!!!

• سیدمحمد خامنه‌ای معتقد است کنگرلو - که در هیچ دوره‌ای از حواشی آقای هاشمی نبوده است و معاون امنیتی نخست‌وزیر وقت بود- از اعضای باند هاشمی است !!!:

«باند هاشمی از مدت‌ها پیش با آمریکا ارتباط

داشتند مثلاً کنگرلو مشاور سیاسی میرحسین یکی از

• «مادام‌العمری ریاست‌جمهوری هاشمی!!

از محورهای دیگر تخریب هاشمی در این مصاحبه طرح مساله مادام‌العمری ریاست‌جمهوری هاشمی است. آقای سیدمحمد خامنه‌ای دو دور نماینده مجلس بوده و عجیب است نداند این مساله حتی با حکم رهبری هیچ و جبهه و جایگاه قانونی ندارد. وی بدون آنکه به اصل مساله اشاره کند نامه سیدعطا‌الله مهاجرانی، معاون پارلمانی وقت رئیس‌جمهور به رهبری مبنی بر تمذید یک دوره دیگر ریاست‌جمهوری هاشمی به‌دلیل ضرورت تکمیل بعضی برنامه‌های مهم ایشان را برنامه‌ای در جهت مادام‌العمری هاشمی بر مسند ریاست‌جمهوری تلقی و القا می‌کند!!!!

ادامه از صفحه ۱۹

آينه ديروز

۹سال پیش چنین روزی

اطلاعات

•توافق تهران و دهلی در مورد چارچوب‌های قرارداد صدور گاز

•لایحه دوفوق‌رتبی دولت برای تأمین عیدی‌ویاداش کارمندان و بازنشستگان تقدیم مجلس شد

•شکست پرسپولیس در تهران با گل

•ضدوق بیمه درمان و بازنشستگی رانندگان تاکسی کشور راه‌اندازی می‌شود

•پرداخت وام دانشجویی از هفته آینده

•موافقت ائتلاف یکپارچه برای تشکیل دولت وحدت ملی در عراق

پیش‌بینی

•رییس سازمان بازرسی کل کشور: رشوه و سوءاستفاده از مقام، اصلی‌ترین مشکل مردم با ادارات است

•لاریجانی در گفت‌وگو با ایوانف: پیشنهاد روسیه ابهام دارد اما قابل بررسی است

•نظام مالی شهرداری سال آینده متحول می‌شود

•وزیر اقتصاد: سیاست‌های جدید دولت برای فعال‌کردن بخش خصوصی و مهار شرکت‌های دولتی

ایران

•لاریجانی در گفت‌وگو با ایوانف: طرح روسیه دارای ابهامات و اشکالاتی است

•مذاکره ایران برای خرید هواپما از چین

•پروین برای همیشه خداحافظی کرد

•رئیس مجلس: مجلس و دولت اختلاف اصولی درباره بودجه۸۵ ندارند

•آیت‌الله‌جنتی: همه جریان‌های سیاسی دولت را یاری کنند

• نوری‌همدانی: هنوز بانک‌های ما صددرصد اسلامی نشده‌اند

•انتشار سند قدیمی لغو سفر مادر انگلستان به ایران

•حضور کارشناس هسته‌ای ۲۰کشور در تهران

•حجت‌الاسلام نیازی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور: اعلام اسامی مفسدان اقتصادی طبق قانون و بعد از قطعیت حکم نته‌ها مفید بلکه لازم است

•جشن کریسمس روس‌ها در نیروگاه بوشهر

•پایانه اقتصادی جامعه اسلامی مهندسين درباره بودجه۸۵: وابستگی بیش از حد بودجه به درآمدهای نفتی خطرناک است

کیمیان

•کیهان بررسی می‌کند: زدونبد حزبی در بورسیه و گزینش استاد

•منبع آگاه: تغییر ۴مدير ارشد وزارت نفت

•گفت‌وگوی لاریجانی با ایوانف درباره طرح هسته‌ای روسیه

•رئیس‌جمهوری در جلسه‌هیات‌وزیران: مراقب باشید به مردم اجحاف نشود

•مخالفت رئیس‌مجلس با اعطای تسهیلات ویژه تشریفاتی به دولتمردان سابق کشور

•دستور ریسر جمهور برای رسیدگی به مطالبات پرستاران

•جلوگیری از شب شعر گنجی

•آمریکا ۱۰۰میلیارد دلار از درآمد نفت را به سرقت برد

شرق

•توافق ایران و روسیه برای مذاکره در گفت‌وگوی لاریجانی و ایوانف

•سندیکا و حقوق شهروندی کارگران، سرمقاله‌ای از دکترمحمد معین

•درخواست جنتی برای کناره‌گیری از امامت نماز جمعه تهران: اگر مقام‌معتبر،رهبری این‌خواست را اجابت کنند خشونتی دوم برای من رخ داده است

•سفر رئیس جدید آژانس انرژی اتمی روسیه به ایران

• بحران در روابط ایران، روسیه

•علی پروین از فوتبال خداحافظی کرد

•پایتخت ایران و ونزولا خواهرخوانده شدند

•مراسم شب شعر و خاطره در خانه گنجی

•تغییر دبیر تشکیلات تحکیم وحدت

•محمد سلامتی دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با طرح تجمع انتخابات مخالفت کرد

•یک نماینده: بین مصباح و نظام اختلافی نیست

•علی عسکری عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس: هشدار به نفوذ حجتیه در مجلس خبرگان

خبر

دادستان کل کشور: حصر خانگی برای امنیت سران فتنه‌است

● **مهر:** دادستان کل کشور گفت: نظام جمهوری اسلامی در برابر ظلم نابخشودنی سران فتنه با رافت رفتار کرده است و حصر خانگی آنها به‌منظور تأمین امنیت خود آنهاست. حجت‌الاسلام سیدابراهیم ربیسی افزود: افرادی که در انتخابات رای نیاورده‌اند ظرفیت لازم در زمینه رقابت انتخاباتی و پذیرش شکست را ندارند.